

اثربخشی گروه درمانی متمرکز بر ابراز وجود در کاهش پرخاشگری و بهبود پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی

احمد عاشوری^۱، مهدی ترکمن ملایری^۲، زهرا فدایی^۳

The Effectiveness of Assertive Training Group Therapy in Decreasing Aggression and Improving Academic Achievement in High School Students

Ahmad Ashouri^۱, Mehdi Torkman Malayeri^۲, Zahra Fadaee^۳

Abstract

Objectives. The purpose of this study was to investigate the effectiveness of assertive training group therapy in aggression reduction and academic achievement among high school students in the city of Shiraz. **Method:** In an experimental study, 32 subjects were selected using the Aggression Questionnaire (AGQ) and clinical interview, from among 125 high school students. The subjects were randomly assigned to one experimental and one control group. Also, 32 normal students from the same high schools and classes were randomly selected as the normal control group. Assertive training group therapy was administered to the experimental group in twelve 90-minutes sessions. The normal and aggressive control groups did not receive any therapy. All three groups completed the study's questionnaires after the intervention period. Data were analyzed using statistical tests of t-test, analysis of variance, and Scheffe post hoc test. **Results:** Analysis of variance in post test assessment showed significant difference between the variables of aggression and academic achievement in the three groups ($p < 0.01$). In other words, aggression decreased in the experimental group and a significant improvement in education took place. **Conclusion:** Assertive training group therapy is effective in decreasing aggression and improving academic achievement.

Key words: assertiveness training, group therapy; aggression, academic achievement

[Received: 17 July 2007; Accepted: 16 January 2008]

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی گروه درمانی متمرکز بر ابراز وجود در کاهش پرخاشگری و بهبود پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه شهر شیراز انجام شده است. **روش:** در یک بررسی آزمایشی، از میان ۱۲۵ نفر به کمک پرسش نامه پرخاشگری (AGQ) و مصاحبه تشخیصی، ۳۲ نفر گزینش شده و به تصادف در دو گروه آزمایش و گواه جای داده شدند. همچنین از میان دانش آموزان عادی همان دبیرستان ها و کلاس ها به تصادف ۳۲ نفر به عنوان گروه مقایسه انتخاب شدند. سپس روش مداخله گروهی ابراز وجود در ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه ای در مورد گروه آزمایش انجام شد و دو گروه عادی و پرخاشگر، درمانی دریافت نکردند. هر سه گروه پس از پایان دوره مداخله به پرسش نامه های پژوهش پاسخ دادند. داده های به دست آمده به کمک آزمون های آماری t، تحلیل واریانس یک راهه و آزمون تعقیبی شفه تحلیل شدند. **یافته ها:** تحلیل واریانس در مرحله پس آزمون در سه گروه از نظر متغیرهای پرخاشگری و پیشرفت تحصیلی ($p < 0.01$) تفاوت معنی دار نشان داد. به بیان دیگر پرخاشگری در گروه آزمایش کاهش یافت و در پیشرفت تحصیلی آنها بهبود معنی دار پدید آمد. **نتیجه گیری:** درمان گروهی ابراز وجود در کاهش پرخاشگری و پیشرفت تحصیلی مؤثر است.

کلیدواژه: پرخاشگری؛ درمان گروهی؛ ابراز وجود؛ پیشرفت تحصیلی

[دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۴/۲۶؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۱۰/۲۶]

^۱ دانشجو دوره دکترای روانشناسی بالینی، تهران، خیابان ستارخان، خیابان بیابش، کوچه شهید منصوری، انستیتو روانپزشکی تهران و مراکز تحقیقات بهداشت روان، دورنگار: ۶۸۵۳، ۶۶۵۰، ۲۱- (نویسنده مسئول). E-mail: ahmad.ashouri@gmail.com؛ ^۲ کارشناس ارشد، روانشناسی، اداره آموزش و پرورش شیراز؛

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد خانواده درمانی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.

* Corresponding author: Postgraduate Student in Clinical Psychology, Tehran Psychiatric Institute and Mental Health Research Centre, Shalud Mansoori Alley, Niyeshi St., Sattarkhan Ave., Tehran, Iran, IR. Fax: +9821-66506853. E-mail: ahmad.ashouri@gmail.com; ^۲ MA. in psychology, Shiraz educational organization, ^۳ The Student of Master's degree Programme in Family Therapy, Family Research Centre, Shahid Beheshti University

مقدمه

پرخاشگری یکی از مسایل مهم دوره نوجوانی است (نانجیل^۱، اردلی^۲، کارپنتر^۳ و نیومن^۴، ۲۰۰۲؛ پلگرینی^۵ و لانگ^۶، ۲۰۰۲؛ بونیکا^۷، یشوا^۸، آرنولد^۹، فیشر^{۱۰} و زلیجو^{۱۱}، ۲۰۰۳) و مشکلات مربوط به خشم هم چون کینه ورزی و پرخاشگری از دلایل مهم ارجاع کودکان و نوجوانان برای مشاوره و روان درمانی است (آبیکوف^{۱۲} و کلین^{۱۳}، ۱۹۹۲؛ سوخودولسکی^{۱۴}، کاسینوف^{۱۵} و گرم^{۱۶}، ۲۰۰۴). آنچه که باعث توجه پژوهشگران به پرخاشگری شده، پیامدهای این گونه رفتارها برای نوجوانان مانند ایجاد تصویر منفی در میان همسالان و آموزگاران، طرد از سوی همسالان، افت تحصیلی، مصرف مواد و بزهکاری می باشد (لاچمن^{۱۷} و وایلد^{۱۸}، ۱۹۹۴). نوجوانان پرخاشگر معمولاً توان مهار رفتار خود را ندارند و معیارها و ارزش های جامعه ای را که در آن زندگی می کنند به راحتی زیر پا می گذارند. در بیشتر موارد والدین و اولیای مدارس با آنها درگیری پیدا می کنند و گاهی به اخراج آنها از مدرسه می انجامد (صادقی، احمدی و عابدی، ۱۳۷۹). در سه دهه گذشته، تلاش های پژوهشگران و درمانگران به معرفی درمان های اثربخش و گوناگونی هم چون آموزش مهارت های اجتماعی، بهره گیری از داروهای محرک و شیوه های عاملی^{۱۹} انجامیده است (نانجیل و همکاران، ۲۰۰۲). کاربرد شیوه های عاملی هم چون تشویق و تنبیه در کوتاه مدت اثربخش بوده اند اما اثرات بلندمدت پایداری نداشته اند (داربمن و لاهی، ۱۹۷۴، به نقل از نانجیل و همکاران، ۲۰۰۲). افزون بر این، کاهش کوتاه مدت رفتارهای پرخاشگرانه لزوماً با افزایش رفتارهای اجتماعی پسند^{۲۰} یا پذیرش همسالان همراه نبوده است (بیرمن^{۲۱}، میلر^{۲۲} و استب^{۲۳}، ۱۹۸۷). بهبودی پایا تر رفتار و پذیرش همسالان به کمک مداخله های مبتنی بر آموزش مهارت های اجتماعی باعث کاربرد روز افزون این شیوه ها در درمان کودکان و نوجوانان پرخاشگر شده است. مداخله های یاد شده بر این فرض استوارند که برخی رفتارهای منفی هم چون پرخاشگری از نبود مهارت هایی ناشی می شوند که برای گفتن شایسته و مؤثر با همسالان لازم هستند (فرانکل^{۲۴}، میات^{۲۵} و کنتول^{۲۶}، ۱۹۹۵؛ میدلتون^{۲۷} و کارتلیج^{۲۸}، ۱۹۹۵؛ پرینز^{۲۹}، بلچمن^{۳۰} و دوماس^{۳۱}، ۱۹۹۴؛ پلگرینی^{۳۲}، استروف^{۳۳}، پیلات^{۳۴} و کریک^{۳۵}، ۲۰۰۶). یکی از مهارت هایی که در درمان های مبتنی بر آموزش مهارت های اجتماعی مورد نظر قرار

می گیرد، آموزش مهارت ابراز وجود می باشد که در بررسی های چندی اثربخشی آن نشان داده شده است (پنتز^{۳۵}، ۱۹۸۰؛ تانر^{۳۶} و هالین^{۳۷}، ۱۹۸۸). آموزش ابراز وجود روشی است که در آن رفتارهای مناسب اجتماعی برای ابراز و بیان احساسات، نگرش ها و آرزوها، نقطه نظرات و علایق به افراد آموخته می شوند تا بتوانند به راحتی و بدون ترس و نگرانی، باورها، احساسات و عواطف خود را ابراز کنند. آموزش ابراز وجود یک روش چند محتوایی است که دربرگیرنده راهنمایی، ایفای نقش، بازخورد، مدل سازی، تمرین و مرور رفتارهای آموخته شده می باشد. پژوهش های انجام شده در زمینه کارایی آموزش جرأت ورزی، کارآمدی آن را در کاهش اضطراب (کیپر^{۳۸}، ۱۹۹۲) و بهبود پیشرفت تحصیلی (کیپر، ۱۹۹۲؛ دلوتی^{۳۹}، ۱۹۸۱) گزارش نموده اند. هدف این پژوهش تعیین میزان اثربخشی مشاوره گروهی جرأت ورزی بر کاهش پرخاشگری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی شهر شیراز بود. فرضیه های این پژوهش عبارت بودند از: ۱) مشاوره گروهی جرأت ورزی بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان مؤثر است و ۲) مشاوره گروهی جرأت ورزی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مؤثر است.

روش

پژوهش حاضر یک طرح تجربی و از نوع پیش آزمون-پس آزمون با گروه آزمایش و گواه می باشد. جامعه مورد بررسی دانش آموزان پسر سال اول دبیرستان های شهر شیراز بودند. از این جامعه به صورت نمونه گیری خوشه ای دبیرستان های ناحیه چهار شهر شیراز انتخاب شدند. سپس از

- | | |
|------------------------|-----------------|
| 1- Nangle | 2- Erdley |
| 3- Carpenter | 4- Newman |
| 5- Pellegrini | 6- Long |
| 7- Bonica | 8- Yeshova |
| 9- Arnold | 10- Fisher |
| 11- Zeljo | 12- Abikoff |
| 13- Klein | 14- Sukhodolsky |
| 15- Kassinoe | 16- Gorman |
| 17- Lochman | 18- Wayland |
| 19- operant procedures | 20- prosocial |
| 21- Bierman | 22- Miller |
| 23- Stabb | 24- Frankel |
| 25- Myatt | 26- Cantwell |
| 27- Middleton | 28- Cartledge |
| 29- Prinz | 30- Blechman |
| 31- Dumas | 32- Ostrov |
| 33- Pilat | 34- Crick |
| 35- Pentz | 36- Tanner |
| 37- Holliman | 38- Kipper |
| 39- Deluty | |

گروه به کار برده شد. آن گاه گروه آزمایش به مدت ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تحت گروه درمانی (با تأکید بر آموزش ابراز وجود) قرار گرفتند. در این برنامه درمانی مهارت آموزش داده شده در هر جلسه به صورت تمرین نقش اجرا می‌شد و به آزمودنی‌ها تکالیف خانگی داده می‌شد. موضوع ۱۲ جلسه گروه آزمایشی عبارت بودند از: جلسه اول - آشنایی اعضا با یکدیگر؛ جلسه دوم - آگاهی و شناخت احساسات خود، مهارت‌های آغاز گفتگو و منطق درمان؛ جلسه سوم - ایجاد بینش و آگاهی در افراد، اهمیت ارتباط سالم؛ جلسه چهارم - ایجاد آگاهی از اجزاء رفتار جرأت‌ورزانه، مهارت‌های غیر کلامی؛ جلسه پنجم - بیان احساسات مثبت و منفی و جرأت یافتن در رد تقاضای غیر منطقی دیگران (نه گفتن)؛ جلسه ششم - بیان ارتباط سالم، چگونگی ارتباط غیر جرأت‌ورزانه و پرخاشگرانه و آگاهی از خطاهای شناختی؛ جلسه هفتم - شیوه‌های صحیح برخورد جرأت‌ورزانه در کنترل پرخاشگری؛ جلسه هشتم - شناخت روش‌های نادرست بیان عقاید؛ جلسه نهم - شناخت روش‌های درست برخورد با عصبانیت دیگران؛ جلسه دهم - تقویت همراه با بازخورد مثبت برای تغییر در گروه، آموزش مهارت‌های جدید؛ جلسه یازدهم - انتقادپذیری و انتقاد سازنده؛ جلسه دوازدهم - ارزشیابی از نتایج جلسات. پس از پایان کار مداخله نیز هر سه گروه به پرسش‌نامه‌های یادشده، دوباره پاسخ گفتند. گفتنی است که اگرچه گروه گواه در زمان اجرای پژوهش مداخله‌ای دریافت نکردند، پس از پایان پژوهش دوره کوتاه آموزشی در مورد آنها نیز اجرا شد.

تحلیل داده‌ها به کمک آزمون آماری t، تحلیل واریانس یک‌راهه و آزمون تعقیبی شفه انجام شد.

یافته‌ها

میانگین سنی افراد مورد بررسی در گروه آزمایش ۱۵ سال و دو ماه، در گروه گواه ۱۵ سال و پنج ماه و در گروه عادی ۱۶ سال و یک ماه بود.

پیش از مداخله، برای اطمینان از تفاوت گروه‌های آزمایشی و کنترل (گروه‌هایی که افراد پرخاشگر در آن قرار

میان دانش آموزان سال اول دبیرستان‌های این ناحیه به کمک چک‌لیست پژوهشگر ساخته، ۱۲۵ نفر دانش آموز که دست کم سه مورد از معیارهای رفتار پرخاشگرانه را داشتند، گزینش شدند. ماده‌های این چک لیست دربردارنده رفتارهای پرخاشگرانه بر پایه ملاک‌های DSM-IV^۱ (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۱۹۹۴) برای اختلال رفتار ایدایی بود. سپس با بهره‌گیری از پرسش‌نامه پرخاشگری^۲ (AGQ) و مصاحبه تشخیصی انجام شده به وسیله روانشناس بالینی، ۳۲ نفر از دانش آموزانی که دارای معیارهای لازم برای شرکت در پژوهش بودند، گزینش شدند و به تصادف در دو گروه آزمایش و کنترل جاسای داده شدند. هم‌زمان از میان دانش آموزان عادی همان دبیرستان‌ها و کلاس‌ها به تصادف ۳۲ نفر برای مقایسه انتخاب شدند. دانش آموزان عادی افرادی بودند که در مرحله اول، تشخیص پرخاشگری دریافت نکرده بودند. در پژوهش حاضر، مصاحبه بالینی نیمه ساختاری، چک لیست علائم پرخاشگری، پرسش‌نامه جرأت‌ورزی و پرسش‌نامه پرخاشگری به کار گرفته شد.

چک لیست علائم پرخاشگری را پژوهشگران بر پایه ملاک‌های DSM-IV (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۱۹۹۴) تهیه کردند که دارای نه ماده می‌باشد. این چک لیست توسط آموزگاران، پس از آموزش به آنها در زمینه چگونگی تکمیل آن، برای گزینش دانش آموزان پرخاشگر به کار برده شد. از پرسش‌نامه گمبیل^۳ و ریچی^۴ (۱۹۷۵) برای تشخیص سطح جرأت‌ورزی دانش آموزان بهره گرفته شد. این پرسش‌نامه دارای ۴۰ ماده در دو بخش است و هر ماده آن یک موقعیت را نشان می‌دهد که نیازمند رفتار جرأت‌ورزانه است. ضریب پایایی این آزمون را گمبیل و ریچی (همان جا) ۰/۸۷ برای درجه ناراحتی^۵ (میزان و شدت ناراحتی فرد در هنگام روبه‌رو شدن با این موقعیت‌ها) و ۰/۸۱ برای احتمال پاسخ^۶ (میزان احتمال رخ دادن موقعیت برای فرد) گزارش نموده‌اند. در ایران نیز حکمتی (۱۳۸۰) همسانی درونی این پرسش‌نامه را بر پایه ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۶ برای ناراحتی از پاسخ و ۰/۸۳ برای احتمال ارایه پاسخ گزارش نموده است. برای اندازه‌گیری پرخاشگری در این پژوهش از پرسش‌نامه پرخاشگری (AGQ) بهره گرفته شد که دارای سه عامل می‌باشد و از ۳۰ ماده تشکیل شده است. پس از انتخاب نمونه و جای دادن آنها در گروه‌های آزمایش و گواه و هم‌چنین تعیین گروه کنترل عادی، پرسش‌نامه‌های یادشده، با هر سه

1- Diagnostic and statistical manual of mental disorders (4th. ed.)

2- Agression Questionnaire

4- Richey

6- response possible

3- Gambille

5- discomfort with assertion

داشتند)، میانگین نمرات افراد گروه عادی ($32/09 \pm 5/71$) با میانگین نمرات افراد گروه پرخاشگر ($55/31 \pm 7/28$) از نظر پرخاشگری مقایسه شد و تفاوت معنی دار به دست آمد ($t=14/18, p<0/01$).

برای بررسی فرضیه نخست پژوهش (آموزش مشاوره گروهی جرأت‌ورزی بر کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان مؤثر است) آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه به کار برده شد. مقایسه نمرات پرخاشگری آزمودنی‌های سه گروه در مرحله پس آزمون تفاوت میان آنها را از نظر آماری معنی‌دار نشان داد ($F=44/20, df=2$ و $61, p<0/01$). از این رو درمان مشاوره گروهی جرأت‌ورزی بر کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان مؤثر است و فرضیه نخست پژوهش تأیید می‌شود. مقایسه میانگین نمرات سه گروه در مورد پرخاشگری به کمک آزمون شفه نشان داد که این معنی‌داری ($p<0/01$) در هر سه گروه وجود دارد.

فرضیه دوم پژوهش (آموزش مشاوره گروهی جرأت‌ورزی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است) نیز با بهره‌گیری از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه سنجیده شد و بین گروه‌ها در مرحله پس آزمون تفاوت معنی‌دار دیده شد ($F=6/26, df=2$ و $61, p<0/01$). بنابراین مشاوره گروهی جرأت‌ورزی در گروه آزمایش بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر بوده است. بررسی تفاوت میانگین‌ها به کمک آزمون شفه نشان داد که این معنی‌داری ($p<0/05$) در هر سه گروه دیده می‌شود و بیانگر تأثیر مشاوره گروهی جرأت‌ورزی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان گروه آزمایشی در مقایسه با گروه گواه می‌باشد.

بحث

این پژوهش نشان داد که گروه درمانی متمرکز بر جرأت‌ورزی سبب کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان می‌شود. این یافته پژوهش با یافته‌های پنتز (۱۹۸۰)، برنشتین^۱، بلاک^۲ و هرسن^۳ (۱۹۸۰)، تانر و هالیمن (۱۹۸۸)، صادقی و همکاران (۱۳۷۹) و توزنده‌جانی (۱۳۷۹) که آموزش گروهی جرأت‌ورزی را در کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان مؤثر گزارش نموده‌اند، هم‌سو است. از سوی دیگر بین پرخاشگری و جرأت‌ورزی رابطه‌ای معکوس دیده می‌شود (استروف و همکاران، ۲۰۰۶). نبود مهارت جرأت‌ورزی در دانش‌آموزان سبب بروز پرخاشگری در روابط میان فردی می‌شود. از آن‌جا

که این مهارت آموختنی است، دانش‌آموزان پس از فراگیری آن می‌توانند در روابط میان فردی آن را به کار برند.

یافته دیگر پژوهش حاضر آن بود که گروه درمانی متمرکز بر جرأت‌ورزی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است. این یافته با یافته دلوتی (۱۹۸۱) هم‌سو است. دانش‌آموزان پرخاشگر با رفتارهای خود، جو متشنجی را برای خود و دیگران پدید می‌آورند و از آن‌جا که مهارت‌های اجتماعی مناسب برای کنترل خود و رویدادهای پیرامونی ندارند، در سطوح بالای برانگیختگی توجه آنها محدود شده، در برابر تهدید علایم محیط تغییر می‌یابد و در نتیجه در درک کامل آنچه که لازم و مناسب است شکست می‌خورند. افزون بر آن، فراگیری مهارت‌های یادشده احساس حمایت و عزت نفس را در فرد افزایش داده و سطوح بالای عزت نفس موجب بهبود عملکرد تحصیلی می‌شود (عطاری، حقیقی و خانه‌کشی، ۱۳۸۱).

این پژوهش با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده است؛ مهم‌ترین آنها در دسترس نبودن پژوهش‌هایی همانند پژوهش حاضر بود که مقایسه و ارزیابی یافته‌ها را دشوار می‌نمود. افزون بر این، پژوهش حاضر تنها در مورد پسران انجام شده که از توان تعمیم‌دهی آن می‌کاهد. از این رو پیشنهاد می‌شود پژوهشی مشابه و با هدف مقایسه دو جنس در محیط‌های دیگر انجام شود.

منابع

- توزنده‌جانی، حسن. کمال‌پور، نسرب (۱۳۷۹). بررسی کارآمدی نسی درمان‌های شناختی-رفتاری در کنترل پرخاشگری. *فصلنامه پیام مشاور*، شماره ۷، ۱۱۲-۱۱۷.
- حکمتی، بهنام (۱۳۸۰). *بررسی رابطه جرأت‌ورزی بر خلاقیت در بین دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان‌های شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه تربیت معلم تهران.
- صادقی، احمد، احمدی، سیداحمد؛ عابدی، محمدرضا (۱۳۷۹). بررسی اثربخشی گروهی مهارت‌خشم به شیوه عقلانی-رفتاری عاطفی بر کاهش پرخاشگری. *نشریه روانشناسی و علوم تربیتی*، شماره ۲۱، ۵۲-۶۲.
- عطاری، یوسفعلی، حقیقی، جمال، حبه‌کشی، رلفعلی (۱۳۸۱). بررسی رابطه میران بی‌نیایی هیجانی، رفتار جامعه‌گرا و پرخاشگری با عملکرد تحصیلی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم راهنمایی شهرستان اهواز. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، سال نهم، شماره‌های ۱ و ۲، ۱۶-۱.

- Abikoff, H., & Klein, R. G. (1992). Attention-deficit hyperactivity and conduct disorder: Comorbidity and implications for treatment. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 60, 881-892.
- American Psychiatric Association (1994). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders* (4th. ed.). Washington, DC: APA.
- Bierman, K. L., Miller, C. L., & Stabb, S. D. (1987). Improving the social behavior and peer acceptance of rejected boys: Effects of social skill training with instructions and prohibitions. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 55, 194-200.
- Bonica, C., Yeshova, K., Arnold, D. H., Fisher, P. H., & Zeljo, A. (2003). Relational aggression and language development in preschoolers. *Social Development*, 12, 551-562.
- Bornstein, M., Bellack, A., & Hersen, M. (1980). Social skills training for highly aggressive children. *Behavior Modification*, 4, 173-186.
- Coie, J. D., Dodge, K. A., & Lynam, D. (2006). Aggression and antisocial behavior. In N. Eisenberg (Ed.), *Handbook of child psychology*. New York: John Wiley.
- Deluty, R. H. (1981). Assertiveness in children: Some research considerations. *Journal of Clinical Child Psychology*, 10, 149-156.
- Deluty, R. H. (1985). Consistency of assertive, aggressive, and submissive behavior for children. *Journal of Personality and Social Psychology*, 49, 1054-1065.
- Frankel, F., Myatt, R., & Cantwell, D. P. (1995). Training outpatient boys to conform with the social ecology of popular peers. Effects on parent and teacher ratings. *Journal of Clinical Child Psychology*, 24, 300-310.
- Gambrill, E., & Richey, C. (1975). An assertion inventory for use: In assessment and use. *Behavior Therapy*, 6, 550-561.
- Kipper, D. A. (1992). The effect of two kinds of role playing on self-evaluation of improved assertiveness. *Journal of Clinical Psychology*, 48, 246-250.
- Lochman, J. E., & Wayland, K. K. (1994). Aggression, social acceptance, and race as predictors of negative adolescent outcomes. *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 91, 1026-1035.
- Middleton, M. B., & Cartledge, G. (1995). The effects of social skills instruction and parental involvement on the aggressive behaviors of African-American males. *Behavior Modification*, 19, 192-210.
- Nangle, D. W., Erdley, C. A., Carpenter, E. M., & Newman, J. E. (2002). Social skills training as a treatment for aggressive children and adolescents: A developmental-clinical integration. *Aggression and Violent Behavior*, 7, 169-199.
- Ostrov, J. M., Pilat, M. M., & Crick, N. R. (2006). Assertion strategies and aggression during early childhood: A short-term longitudinal study. *Early Childhood Research Quarterly*, 21, 403-416.
- Pellegrini, A. D. (2003). Perceptions and functions of play and real fighting in early adolescence. *Child Development*, 74, 1522-1533.
- Pellegrini, A. D., & Long, J. D. (2002). A longitudinal study of bullying, dominance, and victimization during the transition from primary school through secondary school. *British Developmental Psychology*, 20, 259-280.
- Pentz, M. (1980). Assertion training and trainer effects on unassertive adolescents. *Journal of Counseling Psychology*, 27, 76-83.
- Prinz, R. J., Blechman, E. A., & Dumas, J. E. (1994). An evaluation of peer coping-skills training for childhood aggression. *Journal of Clinical Child Psychology*, 23, 193-203.
- Sukhodolsky, D. G., Kassinove, H., & Gorman, B. S. (2004). Cognitive-behavioral therapy for anger in children and adolescents: A meta-analysis. *Aggression and Violent Behavior*, 9, 247-269.
- Tanner, V. L., & Holliman, W. B. (1988). Effectiveness of assertiveness training in modifying aggressive behaviors of young children. *Psychological Reports*, 62, 39-46.